

اتاق تمیز بیمارستان محک، فضایی با استانداردهای جهانی برای آماده‌سازی داروهای شیمی درمانی

بیمارستان محک از مهرماه امسال با راه‌اندازی یک اتاق تمیز در بخش مدیریت دارویی وارد مرحله جدیدی از رعایت استانداردهای جهانی خواهد شد. این اتاق تمیز با هدف بهینه‌سازی فرایند آماده‌سازی داروهای شیمی درمانی و کاهش خطرات بهداشتی و زیست‌محیطی، طراحی و اجرا شده است. اتاق تمیز با توجه به استانداردهای معتبر و پروتکل‌های روز دنیا طراحی شده است. در این فضا، غلظت ذرات معلق هوا کنترل و طبقه‌بندی می‌شود تا فرایند آماده‌سازی داروهای شیمی‌درمانی به شکلی ایمن و دقیق‌تر انجام شود. همچنین هودهای شیمی‌درمانی در فضای مرکزی و متمرکزی قرار گرفته‌اند تا ضمن کاهش زمان و هزینه‌های نگهداری و سرویس، مدیریت بهینه‌تری در مصرف دارو انجام گیرد.

پروژه طراحی و ساخت این اتاق تمیز با حمایت یکی از نیکوکاران حقوقی و توسط پیمانکار بیرونی با رعایت تمامی الزامات بیمارستان محک و پروتکل‌های استاندارد انجام شده است. اتاق تمیز در طبقه منفی دو بخش غربی ساختمان شماره یک بیمارستان محک مستقر خواهد شد.

از مزایای اجرای این پروژه می‌توان به مواردی همچون کاهش زمان آماده‌سازی دارو، بهینه‌سازی مصرف دارو و صرفه‌جویی دارویی تا ۴۰ درصد، کاهش خطاهای دارویی با نظارت دقیق فارماکولوژیست‌ها و کاهش خطرات زیست‌محیطی با استفاده از جدیدترین تکنولوژی اگراست برای پرسنل اشاره کرد.



این پروژه که در راستای استراتژی تحول درمان بیمارستان محک اجرا شده، ضمن رعایت تمامی الزامات بهداشتی و استانداردهای علمی، هدفش ارتقای کیفیت درمان کودکان مبتلا به سرطان است.

یادداشت

کفران نعمت

سال‌هاست گازهای سرجاهی را آتش می‌زنیم، بگذریم از گاز سلمان که با اجرانندن قرارداد کرست میلیاردها مترمکعب گاز هدر رفت.
۷- با تایید و ادامه سیستم آمریکایی هر خانواده یک خودرو، با تولید مداوم خودروی شخصی و بی‌توجهی به حمل‌ونقل عمومی، شهرها را آلوده و مردم را معذور خودروی شخصی کرده‌ایم و سالانه میلیاردها دلار بنزین را به صورت گاز آلوده به حلق مردم سرازیر کرده‌ایم و اینک با وجود داشتن سه هزار کیلومتر مرز دریایی و اتصال به اقیانوس و بیش از چهار هزار کیلومتر مرز مشترک زمینی حداقل با هفت کشور به دلیل امکان احداث یک جاده یا گذرگاه با هر اسم دیگری که می‌توان روی آن گذاشت، همه امتیازات ژئوپلیتیکی خود را فراموش می‌کنیم و می‌گوییم دچار خفگی ژئوپلیتیکی شده‌ایم، همه مسائل را فراموش می‌کنیم، از امتیازات خود استفاده نمی‌کنیم و سخنان بی‌مورد می‌گوییم، سخنانی از جنس تهدید تا تحییبت تا تشویق!

۱- ما از طریق دریا با همه دنیا می‌توانیم ارتباط تجاری ارزان و معقول داشته باشیم، راه‌های هوایی که جای خود دارد.
۲- ما در سیاست‌های اقتصادی تدوین‌شده دوران زنده‌یاد رئیسی، جایی در آن سیاست‌ها برای اروپا ندیده‌ایم.
۳- ما از طریق ترکیه، آذربایجان و دریای مازندران می‌توانیم راه زمینی به اروپا داشته باشیم.
۴- بر فرض نبود دالان زنگزور آیا ارمنستان نمی‌تواند هر موقع که بخواهد، مرز خود را با ایران مسدود کند؟ مگر ارمنستان همیشه سیاست‌هایش یک گونه خواهد بود. مگر نخست‌وزیر ارمنستان مشفقانه به واشنگتن نرفت؟
۵- ما سال‌هاست هم‌مرز ناتو از طریق ترکیه هستیم، ترکیه که در آن، آمریکا پایگاه نظامی انجریلیک را در اختیار دارد.
۶- مگر اسرائیل در آذربایجان و اچیانا ترکمنستان یا کردستان عراق مستقر نیست که حالا دالان زنگزور را که احتمالا آمریکایی‌ها در آن دخالت دارند، موجب خفگی ایران می‌شماریم.
۷- مگر یک جاده یا دالان نمی‌تواند تقاطع غیرهمسطح داشته باشد. بگذریم که می‌گویند ممکن است همه ۴۱ کیلومتر به صورت بالاتر از سطح زمین ساخته شود.

۸- مگر عبور وسایل نقلیه نخجوان به جمهوری آذربایجان چقدر به نفع ما است، جز اینکه جاده‌های ما را تخریب می‌کند و موجب فسادهای دیگر می‌شود.
۹- اگر ترس از گسترش سیاست عثمانی‌زادکردن آسیای میانه و پان‌ترکیسم به‌خطر این دالان داریم، باید بداییم مگر اسرائیل راه زمینی داشته که آذربایجان، بحرین و امارات را زیر چتر نفوذ صهیونیسم درآورد، به‌علاوه ترکمن‌ها، ازبک‌ها، قزاق‌ها و قرقیزها هرگز هویت قبیلگی خود را به عثمانیسم واگذار نمی‌کنند. همچنان که ۷۰ سال سلطه کمونیسم روسی نتوانست هویت آنها را تغییر دهد.
۱۰- توجه کنیم که روسیه، ارمنستان، گرجستان و آذربایجان برای مبادلات با کشورهای غربی خلیج فارس و کشورهای جنوب آسیا نیاز به آب‌های جنوب ایران دارند پس به‌هرحال آنان محتاج به ما هستند و نه ما به آنها.

اینجاست که مصداق «آنچه خود داشت ز بیگانه تمنّا می‌کرد» را مشاهده می‌کنیم. امروز برای ارتباط از طریق ارمنستان که آنها بیشتر به ما محتاج هستند، به طریقی عمل می‌کنیم که از آن بوی التماس می‌آید و البته چرا باید نتوانیم با همسایگان سیاست حسن هم‌جواری داشته باشیم. ارمنستان را فقط باید ارمنستان دید و نه شاهرک حیات کشور. آن‌قدر خداوند به ما نعمت داده است که نیازی به این دست‌و‌پزها نیست، اما ما با امتیازات ژئوپلیتیکی و گذرگاهی چه کرده‌ایم. آیا بندر چابهار که آن همه امتیاز دارد و گذرگاه جنوب به شمال استراتژیک را می‌تواند تغذیه کند، به کار انداخته‌ایم؟ کشورهایی که راه دریایی ندارند، مزیت استراتژیک ندارند ولی ما که راه‌هایمان به همه دنیا باز است.

راه به اروپا از طریق ارمنستان یک راه فیزیکی قابل انسداد و غیرمطمئن است و راه‌ها را نباید به صورت فیزیکی و سخت‌افزاری ببینیم که سخت آسیب‌پذیر است. راه‌ها در حقیقت باید به صورت نرم‌افزاری ببینیم. اگر از نرم‌افزار درست استفاده کنیم، راه‌ها باز می‌شود و الا تنها یک سنگ یا یک چاله راه را می‌بندد. همه نعمت‌های خداداد را به نعمت تبدیل کرده‌ایم و از جمله امتیازات ژئوپلیتیکی و وجود مرکزیت ارتباطی ایران به شرق و غرب، راه‌های هوایی را که از دست داده‌ایم و گذرگاه‌های زمینی را معطل گذاشته‌ایم و به جای استفاده از نعمت‌های خداداد و اندیشه برای نسل امروز و نسل‌های فردا همچنان به کفران نعمت و امتیازدان مشغول هستیم. آیا وعده خداوند را فراموش کرده‌ایم.

اتاق تمیز بیمارستان محک، فضایی با استانداردهای جهانی برای آماده‌سازی داروهای شیمی درمانی

بیمارستان محک از مهرماه امسال با راه‌اندازی یک اتاق تمیز در بخش مدیریت دارویی وارد مرحله جدیدی از رعایت استانداردهای جهانی خواهد شد. این اتاق تمیز با هدف بهینه‌سازی فرایند آماده‌سازی داروهای شیمی درمانی و کاهش خطرات بهداشتی و زیست‌محیطی، طراحی و اجرا شده است. اتاق تمیز با توجه به استانداردهای معتبر و پروتکل‌های روز دنیا طراحی شده است. در این فضا، غلظت ذرات معلق هوا کنترل و طبقه‌بندی می‌شود تا فرایند آماده‌سازی داروهای شیمی‌درمانی به شکلی ایمن و دقیق‌تر انجام شود. همچنین هودهای شیمی‌درمانی در فضای مرکزی و متمرکزی قرار گرفته‌اند تا ضمن کاهش زمان و هزینه‌های نگهداری و سرویس، مدیریت بهینه‌تری در مصرف دارو انجام گیرد.

پروژه طراحی و ساخت این اتاق تمیز با حمایت یکی از نیکوکاران حقوقی و توسط پیمانکار بیرونی با رعایت تمامی الزامات بیمارستان محک و پروتکل‌های استاندارد انجام شده است. اتاق تمیز در طبقه منفی دو بخش غربی ساختمان شماره یک بیمارستان محک مستقر خواهد شد.

از مزایای اجرای این پروژه می‌توان به مواردی همچون کاهش زمان آماده‌سازی دارو، بهینه‌سازی مصرف دارو و صرفه‌جویی دارویی تا ۴۰ درصد، کاهش خطاهای دارویی با نظارت دقیق فارماکولوژیست‌ها و کاهش خطرات زیست‌محیطی با استفاده از جدیدترین تکنولوژی اگراست برای پرسنل اشاره کرد.



خرداد امسال، سازمان مدیریت بحران در جلسه‌ای که در وزارت کشور برگزار شد، اعلام کرد «بیش از ۵۱ درصد آتش‌سوزی‌های جنگل‌های ایران در جنگل‌های زاگرس رخ می‌دهد و طی دو ماه ابتدایی امسال رشد بیش از ۷۰۰ درصدی آتش‌سوزی را در این منطقه شاهد بودیم که عدد در‌خور توجهی است». آمارها نشان می‌دهد کرمانشاه، کردستان، خوزستان، ایلام، لرستان، فارس و کهگیلویه‌وبویراحمد بیشترین درگیری را با آتش‌سوزی دارند. امسال علاوه بر کاووس مرادی در استان فارس، سه نفر از فعالان محیط زیست استان کردستان به نام‌های حمید مرادی، خیات امینی و چاپکو یوسفی‌نژاد حین خاموش‌کردن آتش مصدوم شده و بر اثر شدت جراحات جان خود را از دست دادند. تاکنون ۲۳ نفر از داوطلبان مردمی در عملیات اطفای حریق جان سپرده‌اند. حالا در این شرایط امید سجادیان، دبیر تشکل نهضت سبز زاگرس و فعال محیط زیست اهل یاسوج، از بی‌توجهی نهادهای دولتی نسبت به حفظ سلامت و جان داوطلبان مردمی گلایه می‌کند و معتقد است سازمان منابع طبیعی در شناسایی دلایل وقوع آتش در هر یک از مناطق زاگرس کوتاهی و از امر پیشگیری آتش‌سوزی جنگل‌ها غفلت کرده است. او از نبود شفافیت مالی و عملکردی برخی گروه‌های محیط‌زیستی هم انتقاد کرده و تحریر مردم آموزش ندیده برای حضور در آتش‌سوزی را تقبیح می‌کند.

سازمان منابع طبیعی درین‌بست آتش‌سوزی

امید سجادیان در گفت‌وگوئی تفصیلی با «شرق» با انتقاد از عملکرد سازمان منابع طبیعی ایران و با اشاره به اینکه این سازمان هنوز یک پهنه‌بندی ساده از مناطق آتش‌سوزی ندارد و اگر هم داشته باشد نقشی در برنامه‌ریزی‌های اطفای حریق ندارد، توضیح می‌دهد: «هنوز برای سازمان منابع طبیعی نقاط پریرسیکی که بیشترین آتش‌سوزی را در سال‌های گذشته تجربه کرده‌اند، روشن نیست. اموری مثل پیشگیری، تشکیل یگان اطفای تخصصی حریق، آموزش نیروهای مردمی و ساماندهی برای کمک در صورت نیاز و فرماندهی نیروها حین اطفای حریق برای سازمان منابع طبیعی بی‌معناست». این فعال محیط زیست با تأکید بر اینکه سازمان منابع طبیعی هیچ برنامه ساختارمند و روشنی برای اطفای حریق جنگل‌ها و مراتع ندارد و با بیان اینکه دولت باید تکلیف آتش‌سوزی‌ها را مشخص کند، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا خاموش‌کردن آتش وظیفه دولت است؟ اگر این‌طور است پس باید صفر تا صد کار ازجمله تهیه امکانات، تأمین نیروی انسانی و عملیات اظفا بر عهده دولت باشد: «اگر اطفای حریق منابع طبیعی یک امر دولتی و مردمی است، باید طبق یک برنامه و روال، به شکل سیستماتیک، تقسیم وظیفه و نقش بین مردم و دولت صورت بگیرد. اگر اطفای حریق یک امر صرفا مردمی است، دولت باید کل کار را به بخش خصوصی واگذار کند».

موضوع آتش‌سوزی در ایران فصلی و احساسی است

سجادیان با بیان اینکه اطفای آتش جنگل و مراتع از هیچ روش روشنی پی‌رویی نمی‌کند بلکه یک امر دولتی، فصلی و ناکارآمد است، انتقادش را این‌طور مطرح می‌کند: هیچ برنامه منسجمی برای خاموش‌کردن آتش در ایران وجود ندارد و هیچ ساماندهی مشخصی برای نیروهای مردمی از طرف سازمان منابع طبیعی در نظر گرفته نشده است. اگر اطفای حریق یک امر دولتی است، باید نیروهای دولتی در آتش حضور پیدا کنند و در صورت نیاز از نیروهای داوطلب و مردمی آموزش‌دیده و ساماندهی‌شده بخواهند به کمک‌شان بیایند. نه اینکه مردم نیروی رایگانی در اختیار دولت باشند که در برنامه‌ریزی‌ها هم هیچ نقشی برای آنها قائل نیستند.

بیمه داوطلبان مردمی هنوز درین‌بست

فعالان محیط زیست و داوطلبان مردمی که حین خاموش‌کردن آتش زخمی می‌شوند، خودشان باید هزینه درمان را بر عهده بگیرند یا خانواده داوطلبانی که حین اطفای حریق و در میان آتش جان باخته‌اند، باید مشمول تسهیلات و مستمری شوند، اما هیچ امکانی برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود. تعدادی از این داوطلبان، همسر و فرزند دارند و با جان‌باختن سرپرست خانواده مسیری برای تأمین معاش ندارند. سجادیان می‌گوید: «سال‌هاست که ایران درگیر حریق منابع طبیعی است، اما هنوز نتوانسته‌اند موضوع پیش‌اقتصادهای مثل بیمه داوطلبان مردمی را که برای اطفای حریق وارد آتش می‌شوند، حل‌وفصل کنند».

بیمه‌های بلااستفاده برای آتش‌نشانان طبیعت

او با اشاره به ناکارآمدبودن بیمه «بی‌نام» به‌عنوان بیمه حوادث و بیمه «فداکار خدمت» می‌گوید: «خیلی وقت‌ها این



عکس فریوخ طاهری، بانسگاه خبرنگاران جوان

«شرق» ابعاد دولتی و مردمی حریق‌های متعدد در زاگرس را بررسی کرد

پشت‌پرده آتش‌سوزی‌های عمدی

دبیر تشکل نهضت سبز زاگرس و فعال محیط‌زیست اهل یاسوج: آیا خاموش‌کردن آتش وظیفه دولت است؟ اگر این‌طور است پس باید صفر تا صد کار از جمله تهیه امکانات، تأمین نیروی انسانی و عملیات اظفا بر عهده دولت باشد

زینب رحیمی

بیمه‌ها اصلا به کار داوطلب و فعال محیط زیست نمی‌آید. اگر از مسئولان پیگیری کنید، ادعا می‌کنند بیمه بی‌نام و طرح فداکار خدمت داریم، امّا اینها روی کاغذ است و کاربردی نشده؛ چون اصلا به داوطلب و فعال محیط زیست تعلق نمی‌گیرد. این بیمه‌ها شروطی را پیش پای همیار و فعال محیط زیست گذاشته‌اند که خلا بزرگی به شمار می‌آید. برای همین اگر داوطلبان مردمی دچار آسیب شوند، کسی آنها را گردن نمی‌گیرد».

۸٫۵ میلیون حقوق‌چطور هزینه درمانی بدهند؟

در بسیاری موارد حتی اگر جنگل‌بانان و همیاران رسمی سازمان منابع طبیعی حین اطفای حریق طبیعت دچار سانحه و راهی بیمارستان شوند، باید خودشان هزینه‌های درمانی را پرداخت‌ کنند. گاهی هم باید بعد از درمان و پرداخت هزینه، فاکتور هزینه‌ها و مدارک پزشکی را برای بیمه ببرند تا تنها بخشی از آن را دریافت کنند. سؤال مهم برای جنگل‌بانان و همیاران طبیعت که در عملیات اطفای حریق حضور دارند، این است که با این حقوق کم و مشکلات مالیی چرا باید از جیب خودشان هزینه درمان آسیب‌دیدگی را پرداخت کنند؟ طبیعتاً تعدادی از این افراد که تنها هشت میلیون تومان حقوق می‌گیرند، در پرداخت هزینه بیمارستان و درمان عاجز می‌مانند. در این موضوع نیروهای مردمی شرایط به‌مراتب بدتری دارند. سجادیان تأکید می‌کند که هنوز مدیریت آتش و فرماندهی عملیات اطفای حریق وجود ندارد و هرکس هر کاری که فکر می‌کند درست است، انجام می‌دهد. هیچ نظمی در مدیریت نیروها دیده نشده و در اطفای حریق از نقشه خاصی پیروی نمی‌شود.

آتش‌سوزی‌های عمدی: از زغال‌گیری تا افزایش سهم زمین

در برخی مناطق، زغال‌گیری عامل حریق است. در برخی مناطق هم کشاورزان با هدف توسعه زمین‌های کشاورزی و تعرص به مرتع، عمدا اقدام به آتش‌سوزی می‌کنند. در سال‌های گذشته تعدادی از مدیران سازمان منابع طبیعی و همچنین بسیاری از فعالان محیط زیست تأکید کرده‌اند که عمده آتش‌سوزی‌های زاگرس، عمدی است و باید نهادهای امنیتی برای تعیین آتش‌افروزان وارد ماجرا شوند. سجادیان دراین‌باره با اشاره به اینکه قطعاً باید دلایل عمدی آتش‌سوزی را تحلیل کرد ولی نباید بدون منطق و سند هم هیچ ادعایی را مطرح کرد، می‌گوید: «هنوز وقوع آتش‌سوزی در برخی مناطق زیر سؤال است و هیچ مطالعه دقیقی برای شناسایی دلایل وقوع آتش‌سوزی انجام نشده و بیشتر گفته‌ها براساس حدس و گمان است. گاهی تعارضات بین مردم و دولت عامل حریق است؛ چون مردم احساس می‌کنند جنگل متعلق به آنهاست و دولت قصد دارد منافع آنها را از جنگل مصادره کند؛ زیرا نگاه از بالا به پایین است، نه مشارکتی و مردم‌محور. برای همین دست به آتش‌زدن جنگل می‌زنند؛ چون جنگل را ملک دولت یا اداره خاص می‌پندارند. حتی برخورد قانونی با متخلفان این بهانه را به دست‌شان می‌دهد. گاهی هم اختلاف چند خانواده ممکن است دلیل حریق باشد. گاهی هم ذی‌نفع‌بودن برخی نهادهای دولتی می‌تواند عاملی برای افزایش خطر آتش‌سوزی در مراتع و جنگل‌ها باشد؛ چراکه بعضی نهادهای به نام اطفای حریق، بودجه و نیرو می‌گیرند و همین مسئله، در مواردی خاص، می‌تواند انگیزه‌ای پنهان برای برنامه‌ریزی‌نکردن مناسب برای آتش‌سوزی باشد تا جریان تخصیصی بودجه ادامه یابد».

او نبود شغل را به دلایل آتش‌سوزی اضافه می‌کند: «فصلی‌بودن نیروهای سازمان‌های متولی هم خود به نوعی عامل بالقوه بروز حریق به شمار می‌رود. این نیروها تنها در زمان وقوع آتش‌سوزی کار و درآمد دارند. البته این معضل به‌ویژه در استان‌های محروم و دور از مرکز که با بحران بیکاری شدید روبه‌رو هستند، پررنگ‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، هر فرصت شغلی به یک امتیاز حیاتی تبدیل می‌شود و نبود برنامه‌ریزی اصولی در سیاست‌های استخدای و مدیریتی می‌تواند به چرخه‌ای ناسالم دامن بزند؛ چرخه‌ای که در آن آتش‌سوزی، به‌جای تهدید، به فرصت شغلی و مالی تبدیل می‌شود».

علاوه بر این دلایل عنوان‌شده، هر سال بهار تعدادی از کشاورزان بعد از برداشت محصول، زمین زراعی را به بهانه استراحت‌دادن به زمین آتش می‌زنند، امّا بسیاری از متخصصان خاک حاصل از این اقدام را عامل مرگ بیولوژیک زمین و دلیل آتش‌زدن زمین در بین رقتن جانداران مفید خاک می‌دانند. آتش‌زدن زمین کشاورزی علاوه بر نابودی خاک، گاهی باعث سرایت آتش به



مراتع و جنگل می‌شود. بنا بر گفته این فعال محیط زیست، این مسئله یکی از عوامل آتش‌سوزی عمدی است که سازمان جهاد کشاورزی و منابع طبیعی می‌تواند از طریق آموزش کشاورزان یا تعیین زمین‌زمن‌های کشاورزی با مراتع و جنگل این مشکل را حل‌وفصل کند.

ترباک و گل دلیل آتش‌سوزی؟

سجادیان در ادامه درباره تأثیر کشت ترباک در ایجاد آتش‌سوزی توضیح می‌دهد: «طبق گزارش‌ها، در چند سال گذشته کشت ممنوعه مثل ترباک و گل در برخی مناطق زیاد شده است و گزارش‌هایی در برخی استان‌ها به گوش می‌رسد دال بر اینکه این افراد برای تسلط بر زمین‌های بیشتر، زمین‌های مرتعی و جنگلی را به آتش می‌کشند یا در اثر تعارضات برای از بین بردن زمین‌های کشت‌شده، جنگل را آتش می‌زنند. فراموش نکنیم وقتی قیمت ترباک بالا می‌رود و سود خوبی هم دارد، قطعاً افراد بیشتری سمت تولید آن می‌روند، اما درباره سهم دقیق این نوع کشت‌ها در وقوع حریق، تحلیلی ندارم؛ چون مطالعه دقیقی نشده است».

در چند سال گذشته، آتش‌سوزی جنگل‌های زاگرس موجب ناراحتی و نگرانی شهروندان ایرانی شده است. بسیاری از آنها ضمن آگاهی از ناتوانی دولت در اطفای حریق زاگرس، سعی دارند با کمک مالی، فعالان محیط زیست درگیر اطفای حریق را یاری کنند. همچنین در سال‌های گذشته تعدادی از فعالان محیط زیست و انجمن‌های محیط‌زیستی با دادن شماره کارت از شهروندان کمک مالی دریافت کرده‌اند و از این منبع کفش، لباس، دمنده و سایر امکانات را برای داوطلبان مردمی حاضر در اطفای حریق می‌خرند. این‌س موضوع گاه باعث بروز اختلاف و تعارض در بین تیم‌های محلی و فعالان محیط زیست شده است. گروهی نبود حساسیرسی دقیق این منابع مالی را محل مناقشه می‌دانند و گروهی معتقدند هر کاری بدون برنامه‌ریزی باعث ایجاد تعارض در جامعه می‌شود، مخصوصا توزیع وسایل.

کمک مردمی یا ایجاد تعارض؟

سجادیان، دراین‌باره با اشاره به اینکه جمع‌کردن پول و تهیه امکانات هم ممکن است باعث تعارض شود، توضیح می‌دهد: «با این کار، گروهی به ذی‌نفع تبدیل می‌شوند؛ در نتیجه کمک خیرانه و مردمی بدون تیم‌سازی حتی برای خرید تجهیزات تأثیری جز ایجاد تعارض در جامعه ندارد. چند سال پیش برای یکی از زنان روستایی که در خاموش‌کردن آتش شرکت کرده بود، کولر خریده شد. بعد از آن تعدادی از هم‌محلی‌های او منتظر بودند منتظرایی آتش بگیرد تا آنها هم بتوانند خودروی نشان بدهند و کولر نصب آنها هم شود. این‌س نتیجه ورود ناآگاهانه پول و وسایل به مناطق و دادن امکانات بدون باید طبق برنامه و ساماندهی مشخص و براساس یک سیستم مشخص باشد تا تعارضی ایجاد نشود و باید مردم هم در برنامه‌ریزی آن دخیل باشند».

انجمن‌ها شفاف‌سازی نمی‌کنند

او درباره خطرات کمک مالی بدون برنامه‌ریزی به مناطق این‌طور ادعا می‌دهد: «گاهی ممکن است برخی افراد از تجهیزاتاتی که از انجمن‌ها گرفته‌اند، اصلا استفاده نکنند و حتی به کل انکار کنند که وسیله‌ای گرفته‌اند. گاهی هم ممکن است کفشی که برای داوطلبان مردمی شرکت‌کننده در اطفای حریق خریداری شده، برای افرادی غیر از تیم‌های حریق برده شود. در عمل، مشکل فقط به ساختارهای دولتی ختم نمی‌شود، بلکه در سطح محلی هم نمونه‌هایی از سوءاستفاده از منابع و تجهیزات مشاهده می‌شود. ما برخی موضوعات را سانسور می‌کنیم. باید مسائل گفته شود تا اصلاح شود. برای مثال، در مسوردی یکی از داوطلبان از انجمن درخواست کفش برای برادرزاده‌اش داشت؛ فردی که هیچ نقشی در عملیات اطفای حریق نداشت. وقتی انجمن از پذیرش این درخواست اجتناب کرد، همان موضوع به‌ظاهر ساده به دلخوری و تعارضی چندساله برای آن گروه و انجمن تبدیل شد که همچنان ادامه دارد. همین انجمن الان به اسم چند منطقه وسیله گرفته و گزارش شفافیی ارائه نمی‌دهد و همچنان در منطقه و استان ایجاد تعارض و اختلاف می‌کند. این تنها یک نمونه است. برخی گروه‌ها حجم درخور توجهی تجهیزات دریافت می‌کنند، اما گزارش شفافیی درباره نحوه مصرف و توزیع آن ارائه نمی‌دهند.

یادداشت

کدام دیپلماسی! کدام دیپلمات!

دستگاه سیاست خارجی ایران در هیچ زمانی تا به این حد فارغ از استدلال و متکی به این و آن نبوده است.

متأسفانه دستگاه سیاست خارجی ایران هیچ طرز فکر ثابت و مشخصی ندارد تا مسئولان را به پذیرش یک‌سری از راهکارها برای برون‌رفت از وضع موجود قانع کند.

به گذشتگان خود بنگرید، همه آنها از خود مایه گذاشتند و ازخودگذشتگی کردند و آبرو وسط گذاشتند تا منافع مردم ایران را تأمین کنند و نظام جمهوری اسلامی ایران نیز با استدلال‌های آنان هم‌قدم شد. خود را برای آینده حفظ نکنید. مردم تیزبین‌تر از آن هستند که گام‌های شما را ببینند.

سیاست‌های کلی نظام را مردم از شما بهتر بلدند، اگر قرار باشد پای میز مذاکره همان‌ها را دائم تکرار کنیم، بهتر است به قید قرعه هر ایرانی را پای میز مذاکره بفرستید و مطمئن باشید با سیاست‌های کلی آشناست. اما هنر آقای ظریف این بود که با ظرافت، هم طرف خارجی و هم طرف داخلی را قانع کرد که به دلیل حساسیت‌های موجود مواضع خود را تعدیل کنند و دستاورد بزرگ برجام و از همه مهم‌تر حذف قطع‌نامه‌های شورای امنیت را برای کشور به ارمغان آورد.

در دوران سکنداری شما بر دستگاه سیاست خارجی، به عصر «قطع‌نامه‌ها کاغذپاره» هستند و «اون ممه رو لولو برد» بازگشته‌ایم، البته با اندکی مخلفات تلخ مانند جنگ.

آقای عراقچی، دستگاه سیاست خارجی ایران در شرایط خظیر کنونی یا سکنداری شجاع، کاربلد و باهوش می‌خواهد یا جناب‌عالی سخن تهدید را برای نظامیان واگذارید و بیان سیاست‌های کلی را به سیاست‌مداران بسپارید و برای کشتی تلاطم دستگاه سیاست خارجی چاره‌ای بیابید.

آقای عراقچی یک توصیه هم در آخر دارم. شما زبان مردم نباشید، کار خود را انجام دهید. نگوئید مردم ایران مذاکره را بی‌فایده می‌دانند. شما زبان مردم ایران نیستید، حتی وقتی به‌عنوان مسئول سیاست خارجه کشور مصاحبه می‌کنید، شما در بهترین حالت می‌توانید بگوید من مذاکره را مفید نمی‌دانم و مسئولیتش را هم بپذیرید. (وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگو با فایننشال‌تایمز گفت که بسیاری در داخل کشور معتقدند مذاکره با آمریکا بی‌نتیجه است و هشدار می‌دهند که وقت تهران نباید صرف گفت‌وگوهای بی‌فایده شود).

هديه‌ای از جنس نقد(۴)

آنها در بسیاری از موارد مظلوم واقع می شوند و زیر فشار آن نهاده‌ها به کمک جدی مدیریت عالی وزارتخانه احتیاج دارند. همراهی با خواست‌های مقامات محلی و فداکردن خواست‌های مردم کار ناصوابی است. توصیه کنید فقط روی قانون ایستادگی کنند.

۳- در امر انتخاب استانداران بنا بر سیره دولت، وفاق را مینا قرار دادید و استاندارانی با سلايق گوناگون انتخاب کردید. اما بعضی از آنان استانداری و استان را در اختیار جریان رقيب آقای پزشکيان قرار دادند. توصیه می‌کنم به استانداران این‌وری و آن‌وری توصیه کنید در استان‌ها بی‌طرف عمل کنند.

۴- احزاب پایه اصلی دموکراسی هستند. شما بهتر می‌دانید که احزاب چه مشکلاتي دارند. ساماندهی و تقویت احزاب و کمک به ساختن احزاب بزرگ می‌تواند کشور را از خطرات بزرگی محافظت کند. سخت‌گیری سایر نهاده‌ها در مورد احزاب را حل‌وفصل کنید.

۵- دفاع از حقوق قانونی مردم و حتی مخالفان قانونی‌ی بسر عهده شماست. هرچه مخالفان تابلودارتر باشند، پاسخ‌کو‌تر هم خواهند بود.

۶- می‌دانم بعد از یک سال خودتان از عملکرد بعضی از نمایندگان‌تان در استان‌ها راضی نیستید؛ زمان زیادی دارید، در تغییر آنان تعلل نکنید. شما و همکارانتان و معاون سیاسی‌تان دلسوز و دوست‌داشتنی هستید.